

چرا کابینه زاهدی سقوط کرد؟

۲۴ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۶:۵۵

فارغ از آنکه انتخاب زاهدی، تصمیم شخصی شاه بود و یا آمریکا، واقعیت آن است که نظر مساعد آمریکا در انتخاب او بسیار تأثیرگذار و تعیین کننده بود. با این حال دوران نخست‌وزیری زاهدی چندان به درازا نکشید و علیرغم نظر مساعد آمریکا به او خیلی زود تمام شد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، فضل‌الله زاهدی به عنوان نخست‌وزیر جایگزین دکتر مصدق شد. زاهدی یکی از عوامل کودتا بود و گرچه در روز کودتا از بیم جان خود در مخفیگاه به سر برد؛ اما از جمله افرادی بود که طی کودتا و روزهای پیش از آن به شیوه‌های مختلف از شاه پشتیبانی نمود. او بعد از کودتا به پاس خدمات خود، توانست به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شود. اما دوران نخست‌وزیری زاهدی چندان به طول نینجامید و شاه و آمریکا ترجیح دادند که او را برکنار نمایند. در باب علت این تصمیم به موارد زیادی اشاره شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

نقش زاهدی در کودتا

زاهدی علیرغم آنکه پیش از کودتا از دوستان دکتر مصدق محسوب می‌شد و رابطه خوبی با او نیز داشت، از تیرماه سال ۱۳۳۰ با او اختلاف پیدا کرد. اختلافات هم ظاهراً به مخالفت دکتر مصدق در تیراندازی به مردم از سوی شهربانی مربوط می‌شد؛ زیرا زاهدی در آن زمان رئیس شهربانی بود. این اختلافات در زمان کودتا به اوج خود رسید و زاهدی به یکی از حامیان کودتا و شاه تبدیل شد. حمایت زاهدی از شاه و نقش مؤثر او در کودتا باعث شد تا بعد از کودتا به عنوان نخست‌وزیر جایگزین دکتر مصدق گردد. در رابطه با علت انتخاب او به این پست دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی معتقدند که زاهدی از محبوبیت زیادی بین افراد ارتش و پلیس برخوردار بود^۱ و همین موضوع می‌توانست عامل مناسبی جهت ایجاد هماهنگی میان نخست‌وزیر با نهادهای امنیتی باشد. مطابق با دیدگاهی دیگر زاهدی توسط آمریکا انتخاب شد. زیرا با توجه به شناخت آمریکا از زاهدی، او می‌توانست قرارداد کنسرسیوم را امضا نماید. از این رو آمریکا به هر طریقی به دنبال حمایت از زاهدی بود. بر این اساس به نظر سفیر ایالات متحده آمریکا انتخابات آزاد انتخاباتی است که وابستگان، یا هواخواهان واشینگتن در مجلس حضور داشته باشند و قبل از هر کاری، لایحه قرارداد کنسرسیوم را بدون هیچگونه اعتراض و ایرادی تصویب کنند و از دولت زاهدی و دولت‌های وابسته بعدی پشتیبانی نمایند.^۲

برخی نیز بر این باور هستند که زاهدی توسط شخص شاه انتخاب شد و شاه قبل از کودتا نسبت به نخست‌وزیری او نظر مساعد داشت. از این رو، شاه در روز ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ ش. با اطمینان از حمایت آمریکا و انگلیس، دو فرمان صادر کرد که یکی مبتنی بر

عزل دکتر مصدق از نخست‌وزیری و دیگری فرمان انتصاب سرلشگر زاهدی به نخست‌وزیری بود.^۳ مطابق با این دیدگاه، از اولین اقدامات شاه پس از بازگشت به ایران نیز ارتقاء درجه زاهدی از سرلشگری به سپهبدی و انتخاب او به نخست‌وزیری بود.^۴ فارغ از آنکه انتخاب زاهدی، تصمیم شخصی شاه بود و یا آمریکا، واقعیت آن است که نظر مساعد آمریکا در انتخاب او بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده بود. با این حال دوران نخست‌وزیری زاهدی چندان به درازا نکشید و علیرغم نظر مساعد آمریکا به او خیلی زود تمام شد.

چرا زاهدی برکنار شد؟

در رابطه با برکناری زاهدی نیز به مانند انتخابش دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. اولین دیدگاه حکایت از آن دارد که شاه از نخست‌وزیری زاهدی چندان خرسند نبود و حتی به اجبار آمریکا مجبور به پذیرش او شد. چنانچه مصدق نیز بعد از کودتا اعلام نموده بود که «من آن شب دستخط را نگاه کردم، دیدم اول صحه شده و بعد نوشته شده است، معلوم بود از آخرش کلمات به هم نمی‌رسید و گشاد نوشته شده تا به امضاء برسد.»^۵ یعنی آمریکا یک برگه سفید را به امضا شاه رسانده بود و بعد متن آن اضافه شده بود.

از سویی زاهدی بعد از نخست‌وزیری به سوی قدرت‌یابی حرکت کرد. برخی حتی گفته‌اند او سودای پادشاهی در سر داشت و درصدد بود جای شاه را بگیرد و شاه نیز از این موضوع اطلاع یافته بود. زیرا زاهدی آنطور که شاه می‌خواست از او تمکین نمی‌کرد. با وجود این شاه تا زمانی که به آمریکا نرفته و از نزدیک با مقامات دولت آمریکا مذاکره نکرده بود، جرئت برکناری زاهدی را نداشت، زیرا زاهدی را وابسته به آمریکائی‌ها می‌دانست و از واکنش آمریکا در مورد برکناری او نگران بود. در همین رابطه زاهدی در طول نخست‌وزیری خود با تطمیع و رشوه توانسته بود نظر برخی از نهادهای مهم را به خود جلب نماید و ضمن قدرت‌یابی بر ثروت شخصی خود نیز بیفزاید. «زاهدی، برای پیشبرد مقاصد دشمن و در مقابله با «مقاومت» ملت ایران، به شیوه‌های تطمیع، سازش، تهدید، فشار و سرکوب متوسل شده بود»^۶ و همین موضوع شاه را به این نتیجه رسانده بود که زاهدی بیش از حد به آمریکا نزدیک شده است و این می‌تواند زنگ خطری برای او باشد.

اما دیدگاه دیگر حاکی از آن است که آمریکا عامل اصلی برکناری زاهدی بود و دلیل آن نیز چیزی نبود جز نزدیک شدن زاهدی به انگلستان. در واقعیت نیز تجدید روابط با انگلستان در دوره زاهدی عملاً اتفاق افتاد و روابط با این کشور از سر گرفته شد. بنابراین بیراهه نیست اگر گفته شود آمریکا از این سیاست احساس خطر کرده بود. زاهدی نیز به موضوع ترس و واهمه آمریکا از این موضوع پی برده بود. از این رو «در چهارم شهریور ۱۳۳۲ در نامه‌ای به پرزیدنت آیزنهاور اعلام داشت که قصد حکومت او بهبود وضع بین‌المللی ایران است. هرچند زاهدی در نامه خود ذکری از تجدید مناسبات ایران و انگلیس نکرد، ولی کاملاً روشن بود که می‌خواهد ایالات متحد را مطمئن سازد که دیر یا زود مناسبات سیاسی ایران و بریتانیا تجدید خواهد شد.»^۷ بر این اساس شاه نیز که دل چندان خوشی از زاهدی نداشت توانست در سفری به آمریکا، مقامات این کشور را برای برکناری زاهدی متقاعد نماید. آمریکا هم که به دنبال برکناری زاهدی بود از این پیشنهاد استقبال و با آن موافقت کرد.

سخن نهایی

شاه علیرغم آنکه به طور باطنی علاقه زیادی به نخست‌وزیری زاهدی نداشت اما به دلیل آنکه قدرت خود بعد از کودتا را مدیون

آمریکا بود و نظر آمریکا نسبت به نخست‌وزیری زاهدی مساعد بود مجبور به پذیرش آن شد. این موضوع نشان دهنده نفوذ و سیطره سیاسی آمریکا بعد از اتفاقات رویداد ۲۸ مرداد است که با انتخاب زاهدی آغاز شد و تا آخرین لحظه‌های سقوط حکومت پهلوی ادامه داشت.

فهرست منابع

۱. ثریا اسفندیاری بختیاری و لویی والنترین، کاخ تنهایی، ترجمه نادعلی همدانی، تهران، مترجم، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵.
غلامرضا نجاتی، ماجرای کودتای سرلشگر قرنی، تهران انتشارات رسا، ۱۳۷۳، صص ۱۴-۱۵.
پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۱، ص ۳۹۵.
- محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، جلد اول، تهران، نشر علم، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۴۱۹.
جامی، گذشته چراغ راه آینده است، ققنوس، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۲۴.
طلوعی، همان، ص ۴۲۰.
- غلامرضا نجاتی، ماجرای کودتای سرلشگر قرنی، تهران انتشارات رسا، ۱۳۷۳، ص ۹.
عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، مؤلف، ۱۳۶۸، صص ۱۱۴-۱۱۵.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48882/چرا-کابینه-سقوط-زاهدی-کابینه-چرا>